

به نام خدا

قانون اساسی مدینه

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۴.....	منابع قانون اساسی.....
۴.....	۱. منابعی که سند قانون اساسی مدینه را ذکر کرده‌اند.....
۵.....	۲. نام‌های دیگر قانون اساسی مدینه.....
۵.....	۳. متن سند.....
۲۱.....	منابع و مآخذ.....

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۰۱۶۷

دفتر: مطالعات فرهنگی

اسفندماه ۱۳۸۸



قانون اساسی مدینه

چکیده

قانون اساسی مدینه ۴۶ اصل دارد. در این قانون اساسی به مفاهیمی مانند برابری، عدالت، امت واحده، احسان، امر به معروف و نهی از منکر، پذیرش حکمیت قرآن و سنت، یاری رساندن به مؤمنان، یاری رساندن مظلوم، برابری حقوق شهروندان، رعایت پیمان‌نامه و ... اشاره شده است.

مقدمه

قرآن کریم به‌عنوان معجزه جاوید، اساسی‌ترین سخنان و دستورالعمل‌های خداوند را برای همه انسان‌ها از طریق پیامبر (ص) به مردم ابلاغ می‌کند. در همین ابلاغ، اطاعت و تبعیت از گفتار و کردار رسول خدا نیز آمده است، بدین‌صورت گفتار و عمل پیامبر (ص) هم جزء قانون اساسی الهی است.

در قرآن کریم، پیامبر (ص) حدود ۳۳۰ بار مأمور به ابلاغ و سخن گفتن درباره اوامر الهی به مردم شده است، و در طول ۲۳ سال دوران رسالت خود چیزی در همین حدود، مکاتبه و یا پاسخ به نامه، در تاریخ از وی ثبت شده است. این نامه‌ها از مکاتبه



با پادشاهان و امرای کشورهای بزرگ تا نامه یا پاسخ به نامه به افراد خاص یا قبایل کوچک را دربر می‌گیرد. طبق اصلی که ذکر شد مفاد این نامه‌ها نیز ملحق به همان قانون الهی است. با این توضیح اگر پرسش از قانون اساسی اسلام شود، پاسخ این است که قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) که ادامه‌دهنده وظیفه رسالتند، همان قانون الهی یا اسلامی است. اما این قانون که دارای ابعاد گسترده و قلمرو وسیعی است، به‌ویژه آن بخشی که مربوط به سخنان پیامبر (ص) در مدت بیست‌وسه سال وظیفه رسالت است، دارای ویژگی‌های انطباق با شرایط و مقتضیات زمان و حاوی الگوهای بی‌بدیل برای جوامع اسلامی است.

یکی از نمونه‌های آن همان پیمان مدینه است که گویا در سال اول هجرت توسط پیامبر اعظم (ص) املا و به‌وسیله کاتبان نوشته شده است و برخی از محققان به‌درستی نام «قانون اساسی مدینه» را بر آن نهاده‌اند، زیرا مشتمل بر اصول و قواعدی برای رعایت حقوق دینی و اجتماعی شهروندان مختلف این شهر در ابتدای تمدن و توسعه‌یافتگی خود است. در اینجا قبل از آنکه به متن این قانون اساسی بپردازیم باید به نکاتی توجه کنیم:

۱. پروفیسور محمد حمیدالله، محقق پاکستانی در کتاب «نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص)» می‌گوید: آنچه برای ما دارای اهمیت ویژه می‌باشد، آن است که متن سندها در روزگار پیامبر اکرم (ص) نگهداری می‌شده است. مقریزی در امتاع‌الاسماع (۱/۱۰۷) و به‌صورت مکرر در صفحات بعد بنگرید: نسخه خطی کوپرولو در استانبول ص ۳۵-۱۰۳۶) می‌گوید: سند قانون اساسی دولت‌شهر مدینه با بیان پرداختن و ستاندن خون‌بها که در آن آمده، به شمشیر پیامبر آویخته بود. پس از



رحلت پیامبر (ص) این شمشیر با آنچه بدان آویخته بوده، در اختیار علی (ع) بوده است.^۱

۲. همچنین او درباره اینکه علی (ع) مشهور به حافظ و نگهدار این سند بوده است می‌گوید: «بلاذری می‌گوید: «عباس (عموی پیامبر (ص) از علی (ع) نزد ابوبکر شکایت کرد و گفت عمو جلوتر است یا پسرعمو؟» ابوبکر گفت: عمو. عباس گفت: پس چرا زره‌های پیامبر، اسب و دلدل و نیز شمشیر وی، نزد علی است؟ ابوبکر گفت: این چیزی است که من در دست علی دیده‌ام و دوست ندارم که آن را از علی باز ستانم... صحیفه علی (ع) در زمان خلافتش مشهور بوده و از آن بسیار یاد شده است... این صحیفه گویا شامل دستکم سه سند: قانون اساسی مدینه، حریم مدینه، اسنان‌الابلی و الجراحات بوده است...»^۲

اما در مورد صحیفه امام علی (ع) - که مشتمل بر قانون اساسی مزبور بوده - مدارک فراوانی از اهل سنت و عالمان شیعه بر آن دلالت دارند. در این اسناد گفته شده است که کتاب یا صحیفه مذکور همیشه همراه علی (ع) بوده در برخی از آنها بیان شده که این صحیفه غلاف شمشیر حضرت بوده و در برخی دیگر جای آن را در غلاف شمشیر پیامبر (ص) - که نزد علی (ع) بوده - معرفی کرده است.

برخی از محققان همانند مرحوم احمد میانجی نیز احتمال داده‌اند که دو صحیفه یا کتاب در اختیار حضرت علی (ع) بوده است: «یکی از آنها همان است که در اکثر روایات رسیده از صحابه از آن ذکری به میان آمده و دیگری که کوچکتر بوده

۱. محمد حمیدالله، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص)، ص ۶۰.

۲. همان.



همیشه همراه وی در غلاف شمشیر جای داشته است»^۱ بنابراین به احتمال زیاد آنچه تحت عنوان قانون اساسی مدینه است بخشی از صحیفه امام علی (ع) است.

منابع قانون اساسی

۱. منابعی که سند قانون اساسی مدینه را ذکر کرده‌اند

الف) منابع شیعه امامیه

۱. الکافی، محمدبن یعقوب کلینی،
۲. التهذیب الاحکام، شیخ محمدبن حسن طوسی،
۳. من لا یحضره الفقیه، محمدبن علی بن بابویه،
۴. المناقب، محمدبن علی بن شهر آشوب،
۵. البحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی،
۶. الوسائل الشیعه، شیخ حر عاملی.

ب) منابع اهل سنت

۱. الصحیح من السنه، امام محمدبن اسماعیل نجاری،
۲. المصنّف، عبدالرزاق بن همام الصفانی،
۳. سنن ابی داوود، سجستانی، ابوداود،
۴. الطبقات الکبری، ابو عبدالله محمدبن سعدبن منیع،
۵. تقیید العلم، حافظ ابوبکر احمدبن علی بن ثابت خطیب بغدادی،

۱. علی احمد میانجی، مکاتیب الرسول، صص ۶۳-۶۴، با تلخیص.



۶. انساب الاشراف، احمد بن يحيى بلاذري،

۷. امتاع الاسماع، احمد مقریزی.

۲. نام‌های دیگر قانون اساسی مدینه

حمیدالله با دو نام «کتابه (ص) بین المهاجرین و الانصار و اليهود» و «دستور الدولة البلدية بالمدينة» یعنی پیمان صلح مدینه و قانون اساسی دولت شهر مدینه» از آن یاد کرده است.^۱ اما نامه‌های: الف) کتاب علی (ع)، ب) صحیفه علی (ع)، ج) صحیفه الفرائض، د) کتاب آداب امیرالمؤمنین، هـ) کتاب علی (ع) به املائی رسول الله (ص)، و) خط امیرالمؤمنین (ع)، و ز) کتاب الفرائض.^۲ در کتب مختلف روایی و حدیثی اهل سنت و شیعه برای این سند وجود دارد.

۳. متن سند

این متن در کتب روایی، سیره و امثال آن تحت عنوان: «کتابه (ص) بین المهاجرین و الانصار و اليهود» معروف است، برخی آن را به صورت پیوسته آورده و برخی دیگر در فقرات مختلف ذکر کرده و آنها را اصل نامیده‌اند. متن آن در همه مصادر ذکر شده با برخی اختلاف نسخ آمده است. البته در بعضی مصادر پاره‌ای از آن آمده و در برخی دیگر تمام آن. ما در اینجا آن را براساس و ترتیبی که دانشمند هندی، پروفیسور حمیدالله در الوثائق السياسية و محقق گرانمایه مرحوم احمد میانجی در مکاتیب الرسول آورده‌اند ذکر می‌کنیم:

۱. ر.ک: حمیدالله، همان، صص ۱۰۱-۱۰۲.

۲. احمد، میانجی. همان، ص ۷۱.



اصل اول

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. هذا كتاب من محمد النبي [رسول الله] بين المؤمنين و المسلمين من قريش و [اهل] يثرب و من تبعهم فلحق بهم و جاهد معهم.

ترجمه: این نوشته و پیمانی است از طرف محمد رسول خدا [ص] میان مردم مؤمن و مسلمان قریش و شهروندان یثرب و تمام کسانی که از این مسلمانان پیروی کرده به آنها پیوندند و همراهشان به مجاهده [در راه خدا] بپردازند.

اصل دوم

۲. انهم امة واحدة من دون الناس.

ترجمه: آنان در برابر دیگران یک امت واحده‌اند.

اصل سوم

۳. الْمُهَاجِرُونَ مِنْ قُرَيْشٍ عَلَى رِبْعَتِهِمْ يَتَعَاوَلُونَ بَيْنَهُمْ وَ هُمْ يَفِدُونَ عَانِيَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَالْقِسْطِ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ.

ترجمه: مردم مهاجر قریش که در مدینه‌اند باید خون‌بها را همانند سنت گذشته [پیش از اسلام] بپردازند و براساس عدالت و فعل معروف [یعنی احسان]، بین مؤمنان اسیر خود را رها سازند.

**اصل چهارم**

۴. وبنو عوف علی ربعتهم يتعاقلون معاقلهم الاولى و کل طائفه تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین.

ترجمه: مردم قبیله عوف، باید خون‌بها را به شیوه نخستین [پیش از اسلام] بپردازند و هر گروهی، اسیر خود را براساس عدالت و فعلِ معروف [یعنی احسان] بین مؤمنان، آزاد سازد.

اصل پنجم

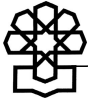
۵. وبنو الحارث [بن خزرج] علی ربعتهم يتعاقلون معاقلهم الاولى، و کل طائفه تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین.

ترجمه: مردم قبیله خزرج [یکی از دو قبیله بزرگ انصار که در مدینه ساکن بودند و خود به قبیله‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شدند] باید خون‌بها را به شیوه نخستین [پیش از اسلام] بپردازند و هر گروهی، اسیر خود را براساس عدالت و فعلِ معروف [یعنی احسان] بین مؤمنان، آزاد سازد.

اصل ششم

۶. وبنو ساعده علی ربعتهم يتعاقلون معاقلهم الاولى، و کل طائفه تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین.

ترجمه: قبیله ساعده [که طایفه کوچکی از خزرج بودند] باید خون‌بها را به شیوه نخستین [پیش از اسلام] بپردازند و هر گروهی، اسیر خود را براساس عدالت و فعلِ معروف [یعنی احسان] بین مؤمنان، آزاد سازد.

**اصل هفتم**

۱. وبنو جُشم علی ربعتهم يتعاقلون معاقلهم الاولى و کل طائفه تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین.

ترجمه: قبیله جشم [که طایفه‌ای از خزرج بودند] باید خون‌بها را به شیوه نخستین [پیش از اسلام] بپردازند و هر گروهی اسیر خود را براساس عدالت و فعلِ معروف [احسان] بین مؤمنان آزاد سازد.

اصل هشتم

۸. وبنو النجار علی ربعتهم يتعاقلون معاقلهم الاولى، و کل طائفه تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین.

ترجمه: مردم قبیله نجار [که یکی از طوایف خزرج است] باید خون‌بها را به شیوه نخستین [پیش از اسلام] بپردازند و هر گروهی اسیر خود را براساس عدالت و فعلِ معروف [احسان] بین مؤمنان آزاد سازد.

اصل نهم

۹. وبنو عمرو بن عوف علی ربعتهم يتعاقلون معاقلهم الاولى و کل طائفه تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین.

ترجمه: مردم قبیله ابن عوف [که یکی از طوایف قبیله بزرگ اوس بودند] باید خون‌بها را به شیوه نخستین [پیش از اسلام] بپردازند و هر گروهی اسیر خود را براساس عدالت و فعلِ معروف [احسان] بین مؤمنان آزاد سازد.

**اصل دهم**

۱۰. وبنو النبیّت علی ربّعنهم یتعاقلون معاقلهم الاولی و کل طائفةٍ تقدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین.

ترجمه: مردم قبیله نبیت [که یکی از تیره‌های اوس بودند] باید خون‌بها را به شیوه نخستین [پیش از اسلام] بپردازند و هر گروهی اسیر خود را براساس عدالت و فعل معروف [احسان] بین مؤمنان آزاد سازد.

اصل یازدهم

۱۱. وبنو الاوس علی ربّعتهم یتعاقلون معاقلهم الاولی، و کلّ طائفةٍ تقدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین.

ترجمه: قبیله اوس [که خود مشتمل بر چند خرده قبیله بود] باید خون‌بها را به شیوه نخستین [پیش از اسلام] بپردازند و هر گروهی اسیر خود را براساس عدالت و فعل معروف [احسان] بین مؤمنان آزاد سازد.

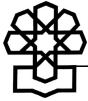
اصل دوازدهم

۱۲. الف) وان المؤمنین لایترکون مفرحاً بینهم ان یعطوه بالمعروف فی فداءٍ او عقلٍ.

ترجمه: مؤمنان نباید فردی از خود را که دین سنگینی دارد در کمک به پرداخت خون‌بها و فدیة تنها گذارند.

ب) و ان لایحالف مؤمن مولی مؤمن دونه.

ترجمه: و هیچ مؤمنی با وابسته مؤمن دیگر در مخالفت با وی پیمان نبندد.

**اصل سیزدهم**

۱۳. و ان المؤمنین المتقین [ایدیهم] علی [کل] من بغی منهم، او ابتغی دسیعةً ظلم، او اثمًا، او عدوانًا او فساداً بین المؤمنین، و ان ایدیهم علیه جمیعاً ولو کان ولد احدهم.

ترجمه: همه مؤمنان پرهیزگار باید در برابر هر کسی از مسلمانان که ستم می‌کند یا از راه ستم چیزی طلب نموده گناهی مرتکب می‌شود یا دشمنی و فساد بین مؤمنان می‌افکند، بایستند؛ آنان در ضدیت با او یکپارچه‌اند اگر چه فرزند یکی از آنها باشد.

اصل چهاردهم

۱۴. ولا یقتل مؤمن مؤمناً فی کافر و لا ینصر کافراً علی مؤمن.

ترجمه: هیچ مؤمنی حق ندارد مؤمن دیگر را به خاطر [قصاص] کافری بکشد و یا به کافری بر ضد مؤمنی یاری دهد.

اصل پانزدهم

۱۵. و أنّ ذمة الله واحدة یجیر علیهم ادناهم و أنّ المؤمنین بعضهم موالی بعضٍ دون

الناس

ترجمه: [کسی که مسلمان است در پناه خداست] و پناه خدا برای همه یکسان است [یعنی فقر و غنا و دیگر صفات متضاد آن را تغییر نمی‌دهد] بنابراین یک مسلمان با پایین‌ترین شأن اجتماعی می‌تواند دیگران را پناه دهد [و شأن اندک او مانع این کار نیست، زیرا پناه مسلمان مثل پناه خداست] و مؤمنان در مقابل دیگران یار و یاور همدیگرند.

**اصل شانزدهم**

۱۶. و اِنَّهٗ مِنْ تَبِعِنَا مِنْ يَهُودِ فَاَنْ لِهٖ النَّصْرُ وَ الْاِسْوَهٗ غَيْرِ مَظْلُوْمِيْنَ وَ لِمَتَنَاصِرِ عَلِيْهِمْ.
ترجمه: یهودیانی که از ما مسلمانان تبعیت کنند بدون تردید از یاری و برابری [با دیگر شهروندان] برخوردار شده تا ظلم و ستم و غلبه‌ای علیه آنان نشود.

اصل هفدهم

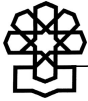
۱۷. وَ اَنْ سَلِمَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاحِدَهٗ، لَا يَسَالِمُ مُؤْمِنٌ دُوْنَ مُؤْمِنٍ فِى قِتَالٍ فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ، اِلَّا عَلٰى سَوَآءٍ وَ عَدْلٍ بَيْنَهُمْ.
ترجمه: آشتی برای همه مؤمنان یکی است، [بنابراین] هیچ مؤمنی در هنگام جنگ نمی‌تواند جداگانه از دیگر مؤمنان با دشمن آشتی کند؛ مگر براساس عدل و برابری میان مؤمنان.

اصل هجدهم

۱۸. وَ اَنْ كُلَّ غَازِيَةٍ غَزَتْ مَعَنَا يَعْقَبُ بَعْضُهَا بَعْضًا.
ترجمه: اسب‌سواران [جنگجو] که همراه ما بیکار می‌کنند باید نظم و ترتیب [مشخص شده از طرف فرماندهان] را مراعات کنند.

اصل نوزدهم

۱۹. اِنَّ الْمُؤْمِنِيْنَ يَبِيءُ بَعْضُهُمْ عَنِ بَعْضٍ بِمَا نَالِ دِمَآءَهُمْ فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ.
ترجمه: مؤمنان در دادن خون خود در راه خدا مساوی با یکدیگرند [یعنی مشارکت



آنان در جنگ‌ها و دفاع‌ها الزامی و تابع قانون است و کسی بر دیگری برای شرکت یا عدم شرکت برتری ندارد].

اصل بیستم

۲۰. (الف) وَ اِنْ الْمُؤْمِنِيْنَ الْمُتَّقِيْنَ عَلٰى اِحْسَنِ هِدٰى وَ اِقْوَمِهٖ.
ترجمه: بهترین و استوارترین هدایت را مؤمنان پرهیزگار دارند.
(ب) وَ اِنَّهٗ لَا يَجِيْرُ مُشْرِكٌ مَّآلًا لِّقَرِيْشٍ وَ لَا نَفْسًا وَ لَا يَحُوْلُ دُوْنَهٗ عَلٰى مُؤْمِنٍ.
ترجمه: هیچ مشرکی [یعنی غیر از مؤمنانی که هم پیمان مسلمانانند] حق ندارد به افراد قریش [که دشمن مسلمانانند] تضمین مالی و جانی بدهد و مانع دستیابی مؤمنان به آنها شود.

اصل بیست و یکم

۲۱. وَ اِنَّهٗ مَنْ اَعْتَبَطَ مُؤْمِنًا قِتْلًا عَنْ بَيْنَةٍ فَاِنَّهٗ قُوْدٌ بِهٖ اِلَّا اَنْ يَّرِضٰى و لٰى الْمُقْتُوْلِ [بِالْعَقْلِ] وَ اَنْ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ كَافَّةً وَ لَا يَحِلُّ لَهُمُ الْاِقْيَامُ عَلَيْهِ.
ترجمه: اگر کسی مؤمن بی‌گناهی را بکشد و با بینه ثابت شود، قاتل به قصاص کشته می‌شود، مگر آنکه ولی مقتول به خون‌بها راضی گردد و تمام مؤمنان باید در مقابل قاتل بوده بر ضد او قیام کنند [و حق را به جانب او ندهند].

اصل بیست و دوم

۲۲. وَ اِنَّهٗ لَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ اَقْرَبُ بِمَا فِى هَذِهِ الصَّحِيْفَةِ، وَ اَمَّنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ اِنْ يَنْصُرُ مَحَدِّثًا اَوْ يُوْوِيْهِ، وَ اَنْ مِنْ نَصْرِهِ اَوْ اَوَاةِ، فَاِنْ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللّٰهِ وَ غَضَبُهٗ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُؤْخَذُ



منه صرف و لاعدل.

ترجمه: بر هر مؤمنی که این نوشته را پذیرفته و به خدا و روز قیامت ایمان دارد حرام است که قاتلی را یاری کرده یا پناه دهد. و هر کسی که قاتل را کمک کرده یا پناه دهد، بدون تردید مشمول لعنت خدا و خشم او در روز قیامت خواهد شد و از او خون‌بها یا توبه پذیرفته نیست.

اصل بیست‌وسوم

۲۳. و انکم مهما اختلفتم فيه من شیءٍ، فان مرده الی الله و الی محمدٍ.

ترجمه: هر گاه شما [مسلمانان] در مورد مسئله‌ای اختلاف پیدا کردید [داوری و حکم] آن را به خدا و حضرت محمد (ص) برگردانید [و از قرآن و سنت جواب آن را جویا شوید].

اصل بیست‌وچهارم

۲۴. و أن الیهود ینفقون مع المؤمنین ما داموا محاربین.

ترجمه: یهودیان [مدینه] باید مادامی که مؤمنان در جنگ با دشمنند، در پرداخت هزینه با آنها همراه باشند.

اصل بیست‌وپنجم

۲۵. و أن یهود بنی عوفٍ أُمَّةٌ مع المؤمنین؛ للیهود دینُهُم و للمسلمین دینُهُم، موالیهم و أنفُسُهُم أَلَّا من ظَلَمَ و أثمَّ فأنَّه لا یوتغ أَلَّا نَفْسَهُ و اهل بیته.

ترجمه: یهود قبیله عوف امتی هستند همراه مؤمنان. یهودیان مذکور به دین خود و



مسلمانان هم به دین خود هستند، و این در مورد خودشان و بستگانشان تفاوتی نمی‌کند؛ مگر کسی که [با پیمان‌شکنی] مرتکب ظلم و گناه شود؛ چنین شخصی جز خود و خانواده‌اش را تباه نکرده است.

اصل بیست‌وششم

۲۶. و أن لیهود بنی النّجار مثل ما لیهود بنی عوفٍ.

ترجمه: یهودیان قبیله بنی نجار حقوقی برابر با حقوق یهودیان قبیله بنی عوف دارند.

اصل بیست‌وهفتم

۲۷. و أن لیهود بنی الحارث مثل ما لیهود بنی عوفٍ.

ترجمه: یهودیان قبیله بنی حارث حقوقی برابر با حقوق یهودیان قبیله بنی عوف دارند.

اصل بیست‌وهشتم

۲۸. و أن لیهود بنی ساعده مثل ما لیهود بنی عوفٍ.

ترجمه: یهودیان قبیله بنی ساعده حقوقی برابر با حقوق یهودیان قبیله بنی عوف دارند.

اصل بیست‌ونهم

۲۹. و ان لیهود بنی جشم مثل ما لیهود بنی عوفٍ.

ترجمه: یهودیان قبیله بنی جشم حقوقی برابر با حقوق یهودیان بنی عوف دارند.

**اصل سی ام**

۳۰. و ان لیهود بنی الاوس مثل ما لیهود بنی عوف.

ترجمه: یهودیان قبیله بنی الاوس حقوقی برابر با حقوق یهودیان بنی عوف دارند.

اصل سی ویکم

۳۱. و ان لیهود بنی ثعلبه مثل ما لیهود بنی عوف.

ترجمه: یهودیان قبیله بنی ثعلبه حقوقی برابر با حقوق یهودیان بنی عوف دارند.

[تبصره اصل‌های بیست‌وششم تا سی‌ویکم]

الّا من ظلم و اثمّ فانه لا یوتغ الاّ نفسه و اهل بیته.

ترجمه: [این حقوق برابر و این همراهی با مؤمنان ثابت است] مگر [برای] کسی که [با پیمان‌شکنی] مرتکب ظلم و گناه شود؛ چنین شخصی جز خود و خانواده‌اش را تباه نکرده است.

اصل سی و دوم

۳۲. و ان جفّته بطناً من ثعلبه کانفسهم.

ترجمه: یهودیان جفنه [آن قبیله‌ای که] تیره‌ای از ثعلبه هستند [نه تیره دوم] از نظر حقوق همانند ثعلبه هستند [آل جفنه دو تیره بوده‌اند که تیره‌ای از آنها به ثعلبه و تیره دیگر به قبیله دیگر مرتبط بوده است].^۱

۱. مکاتیب الرسول، ص ۲۵۴.

اصل سی و سوم

۳۳. و ان لیهود بنی الشطیبه مثل ما لیهود بنی عوف.

ترجمه: یهودیان قبیله بنی شطیبه، حقوقی برابر با حقوق یهودیان بنی عوف دارند.

تبصره: و ان البر دون الاثم.

روشن است که وفای به عهد با پیمان‌شکنی یکی نیست.^۱

اصل سی و چهارم

۳۴. و ان موالی ثعلبه کانفسهم.

ترجمه: [حقوق] وابستگان قبیله ثعلبه همانند [حقوق] خود آنان است.

اصلی سی و پنجم

۳۵. و ان بطانّه یهود کانفسهم.

ترجمه: افرادی که رازدار و طرف مشاوره یهودی‌اند نیز حقوقی برابر با خود آنان دارند.

اصل سی و ششم

۳۶. الف) و اّنه لا یخرج منهم احد الاّ باذن محمد (ص).

ترجمه: هیچ یک از قبایل [یا افراد] یهود از این پیمان خارج نشود مگر به اجازه محمد (ص)

۳۶. ب) و اّنه لا ینحجز علی ثار جرحٍ و اّنه من فتک فبنفسه و اهل بیته الاّ من ظلم و

۱. ترجمه برّ و اثم (نیکی و گناه) به وفا و پیمان‌شکنی براساس تفسیری است که در کتب حدیث صورت گرفته

است. رک: احمد میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۲۵۵.





أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ أُمَّرٍ هَذَا.

ترجمه: کيفر [کوچک‌ترین] زخمی که بر کسی وارد شود نادیده گرفته نمی‌شود و کسی که دیگری را به‌صورت ناگهانی [ترور]، بکشد، خود و خانواده‌اش زیان خواهند دید، مگر آنکه [مقتول] ظالم [و قاتل] باشد [در این‌صورت کشتن او می‌توان با ادله و بینه به‌عنوان قصاص محسوب شود] و خداوند قطعاً محیط بر این مسئله است.

اصل سی‌وهفتم

۳۷. الف) وان على اليهود نفقتهم و على المسلمين نفقتهم، و ان بينهم النصر على من حارب اهل هذه الصحيفة و ان بينهم النصح و النصيحة، و البر دون الاثم.

ترجمه: [در توضیح اصل بیست‌وچهارم] یهودیان و مسلمانان [در هنگام جنگ و دفاع] هرکدام سهم خود از هزینه را باید پردازند. هر دو گروه موظفند در برابر کسی که با امضاکنندگان این پیمان‌نامه بجنگد، همدیگر را یاری کنند و بین آنان باید راستی، نیکخواهی، و وفای به عهد و نه پیمان‌شکنی، برقرار باشد.

ب) و انه لا يأتهم امرءٌ بحليفه و ان النصر للمظلوم.

ترجمه: هیچ شخصی را به گناه هم پیمانانش نباید مؤاخذه کرد و مظلوم را باید یاری نمود.

اصل سی‌وهشتم

۳۸. و ان اليهود ينفقون مع المؤمنین ماداموا محاربین.



ترجمه:^۱ یهودیان [طرف پیمان در مدینه] باید مادامی که مؤمنان در جنگ با دشمنند، در پرداخت هزینه با آنان همراه باشند.

اصل سی‌ونهم

۳۹. و ان یثرب حرام جوفها لاهل هذه الصحيفة.

ترجمه: درون شهر یثرب [مدینه] برای امضاکنندگان این پیمان‌نامه حرام است^۲ [بنابراین بریدن درختان، شکار حیوانات، جنگ و نزاع با یکدیگر و ... در آن حرام است].

اصل چهلم

۴۰. و ان الجار كالنفس غير مضارٍ و الاثم.

ترجمه: کسی که به یکی از هم‌پیمانان پناه می‌آورد، اگر زیان نرسانده و پیمان‌شکنی نکند، [حقوقش] همانند شخص پناه‌دهنده است.

اصل چهل‌ویکم

۴۱. و انه لا تجارَ حرمة الآ باذن اهلها.

ترجمه: به هیچ فردی، بدون اجازه سرپرست خانواده‌اش، پناهندگی داده نمی‌شود.

۱. این، تکرار اصل بیست‌وچهارم است و شاید حکمت بازگفتن آن در تأکید بر این کار بعد از نکر همه قبایل طرف پیمان باشد. در بعضی از نسخ مثل کتاب الاموال، این اصل نیامده است. ر.ک: احمد میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۲۵۷.

۲. در اینکه مدینه از طرف پیامبر (ص) حرام اعلام شده است اخبار زیادی از شیعه و اهل سنت رسیده است (ر.ک: احمد میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۲۵۷).

**اصل چهل و دوم**

۴۲. و انه ما كان بين اهل هذه الصحيفة من حدثٍ أو اشتجار يخاف فسادة فان مرده الى الله و الى محمد رسول الله [ص] و ان الله على أتقى ما فى هذه الصحيفة و ابره.

ترجمه: هر گاه که بین امضاکنندگان این پیمان‌نامه اتفاقی [مثل قتل] یا مشاجره‌ای درگرفت که خطر تباهی پیمان‌نامه را داشت، باید در آن به خدا و رسولش محمد (ص) رجوع کنند [و محمد (ص) را داور قرار دهند] و خداوند قطعاً با کسی است که در رعایت پیمان‌نامه پرهیزگارتر و وفادارتر است.^۱

اصل چهل و سوم

۴۳. و انه لا تُجار قریش و لا من نصرها.

ترجمه: کسی نباید به قریش و کسی که آنان را یاری می‌دهد، پناهندگی دهد.

اصل چهل و چهارم

۴۴. و ان بينهم النصر على من دهم يثرب.

ترجمه: امضاکنندگان پیمان‌نامه [مؤمنان و یهودیان] باید در مقابله با حمله‌کنندگان به یثرب، یکدیگر را یاری کنند.

۱. جمله اخير (ان الله على اتقى ما فى هذه الصحيفة و ابره) می‌تواند بدین‌گونه هم ترجمه یا تعبیر شود: «با وجود شروط مذکور، آنچه نزد خدا محبوب‌تر است وفای به عهد و پرهیزگاری بیشتر است»؛ یا «خداوند بر آن شروط از پیمان‌نامه که تقوا و وفای به عهد را به‌نحو برتر دارند نگهدار و حافظ است»، رک: احمد میانجی، ص ۲۵۸.

**اصل چهل و پنجم**

۴۵. الف) و اذا دعوا الى صلح يصالحونه و يلبسونه فانهم يصالحونه و يلبسونه و انهم اذا دعوا الى مثل ذلك فانه لهم على المؤمنين الا من حارب فى الدين.

ترجمه: هر گاه یهودیان هم‌پیمان، از ناحیه مؤمنان به صلحی که خود مؤمنان در آن مشارکت دارند، فراخوانده شدند، باید در آن شرکت کنند و [در مقابل] اگر یهودیان آنان را به همانند آن دعوت کنند مؤمنان باید انجام دهند مگر آنکه صلح با کسی باشد که با دین اسلام در جنگ است.

ب) على كل اناس حصتهم من جانبهم الذى قبلهم.

سهم هر مردمی [یهودیان یا مؤمنان] از هزینه‌ها و مخارج [در جنگ و غیرجنگ] برعهده خود آنان است.

اصل چهل و ششم

۴۶. و ان يهود الأوس مواليهم و انفسهم على مثل ما لاهل هذه الصحيفة مع البر المحض من اهل هذه الصحيفة و ان البر دون الاثم لا يكسب كاسب الا على نفسه و ان الله على اصدق ما فى هذه الصحيفة و ابره.

ترجمه: یهودیان قبیله اوس، خودشان و وابستگان‌شان مفاد این پیمان را پذیرفته‌اند [و در عوض] وفاداری خالص امضاکنندگان را خواهند داشت و وفاداری با پیمان‌شکنی یکسان نیست. هیچ پیمان‌شکنی مگر بر ضد خود چیزی به‌دست نمی‌آورد و خداوند قطعاً با کسی است که در رعایت پیمان‌نامه راستگوتر است.



اصل چهل وهفتم

۴۷. و انّه لا يحول هذا الكتاب دون ظالم او اثم و انّه من خرج آمن و من قعد آمن بالمدينة الا من ظلم و اثم و ان الله جار لمن بر و اتقى و محمد رسول الله (ص).

ترجمه: این نوشته قطعاً ظالم و پیمان شکن را از کیفر باز نمی‌دارد. هر کسی که از مدینه خارج شده یا به آن وارد شود ایمن است مگر کسی که ستم کند یا پیمان بشکند و خداوند، به کسی که وفادار به پیمان و پرهیزگار باشد، پناه می‌دهد و محمد (ص) رسول خداست.

منابع و مآخذ

۱. احمدی میانجی. مکاتیب الرسول، نشر یس، قم، ۱۳۶۳.
۲. حمیدالله، محمد. نامه‌ها و پیمان‌های حضرت محمد (ص)، ترجمه دکتر سیدمحمد حسینی، سروش، تهران، ۱۳۷۷.
۳. دیباجی، سیدمحمدعلی. پیامبران دولتمرد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
۴. عاملی، شیخ حر. وسائل الشیعه الی تحصیل سائل الشریعه، مکتبه الاسلامیه، تهران، بی‌تا.
۵. سجستانی، ابوداود. سنن ابوداود، تصحیح صدیق جمیل عطار، دارالفکر بیروت، ۱۴۲۵.
6. Encyclopedia of Islam, Konikijke, Brill Nv,leiden, the Netherland, 1999.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۱۶۷

عنوان گزارش: قانون اساسی مدینه

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه مطالعات بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: سیدمحمدعلی دیباجی

ناظر علمی: سیدیونس ادبانی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۲/۲۴